

گردشگری

یک سفر خانوادگی به بهشت پنو  
کودکی چهل ساله  
در جنگل های گیلان!



ارزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

نمی دانم تا به حال دقت کرده‌اید یا نه؟ من یا شاید بهتر باشد بگویم «ما» در تمامی سفر هامان با دوستان مان همراهیم و جملاتی از قبیل: «با چند تن از دوستان مان هماهنگ کردیم و...»، «با دوست و همسفر همیشگی مان همراه شدیم و...» را در سفر نامه‌های من زیاد خوانده‌اید. نسل قبل تر بیشتر سفر ها و پیک نیک هایشان خانوادگی بود، همانطور که خاطرات کودکی خودمان همیشه پر از بازی با دختر دایی‌ها و پسر عمه‌ها و سفر با خاله و عمو بوده، اما سال‌های اخیر همه چیز تغییر کرده است و اهالی سفر بیشتر با دوستانشان به دل جاده می‌زنند، و مانیز از این دایره خارج نبودیم. اما این بار همه چیز فرق کرد و با برادر م راهی سفر شدم، هر چند که او هم اهل سفر است اما خوب دوری مان همیشه اینگونه ایجاب می‌کرد که او با دوستان خود به دامان طبیعت برود و من نیز در شهر دیگر با دوستان خودم. بالاخره بعد از مدت‌ها برنامه یک سفر خانوادگی جدید برای پیمایش یک دره زیبا در گیلان سرسبز، پنجشنبه نهار باید در یک دور همی دوستانه شرکت می‌کردم که به هیچ عنوان نمی‌شد آن را به وقت دیگری موکول کرد، پس دقیق برنامه ریزی کردم که هم در دور همی شرکت کنم و هم به سفر برسیم. نهار را خیلی سریع خوردم و خود را به منزل رساندم و وسایل سفر را که شب قبل آماده کرده بودم در ماشین گذاشتم و بدون معطلی به سمت لاهیجان به راه افتادم. بعد از پلیس راه سرواوان به سمت خروچی لاهیجان پیچیدیم و در شهر سنگر توقف کوتاهی کردیم تا برای صبحانه فردا چیزهایی بخریم و البته خرید بجا و خوش مزه‌ای هم بشد؛ انگور برای صبحانه هم قند دار و هم آبدار است و هم با پنیر می‌چسبد. هوا تاز یک شده بود که به آستانه اشرفیه رسیدیم، همانجایی که اقامتگاه هماهنگ شده بود. یک اقامتگاه نقلی در انتهای روستایی حومه آستانه اشرفیه که دور تادورش پر از شالیزار بود. شب تا دیروقت مشغول گپ و گفت و اخبار این طرف و آن طرف بودیم اما چون صبح زود باید بیدار می‌شدیم خواب را به گفتمان فامیلی ترجیح دادیم. ۵ صبح



احسان زیور عالم

توفیقی اجباری پیش آمد تا تعداد انبوهی از متون یک جشنواره مناسبی را مطالعه کنم. نمایشنامه‌هایی که نه بر اساس حساسیت نویسنده که بر مبنای خواست متولیان یک جشنواره نگاشته شده بودند و قرار بود بابت انتخاب متن و اجرای آن در یک جشنواره مبلغی مناسب برای تولید به گروه اعطا شود. اگر چه جشنواره وعده‌هایی برای اجرای عموم نمایش هاداده بود؛ اما مسأله اصلی حضور در جدول نهایی و دو اجرا در جشنواره بود. خوانش متون برای من یک چشم‌انداز جذاب داشت: ارزان‌سازی. اساساً بیشتر نمایشنامه‌ها به نحوی

نگاهی به دو نمایش تماشاخانه مولوی

اندر مصائب ارزان ساختن



نگاشته شده بودند که می‌شد فهمید قرار است به ارزان‌ترین شکل ممکن ساخته شوند. تعداد بازیگران اندک بود و نویسنده - که در بیشتر مواقع خود کارگردان بود - فضایی بدون دکور و صحنه پر داری تصور کرده بود. بیشتر فضاسازی‌ها با نور صورت می‌گرفت و قرار بود با همان دیالوگ‌های اضافی گنجانده شده در نمایشنامه به مخاطب فهماند دنیایی پیش‌رویشان کجاست. جشنواره مذکور جایی بود برای کسب اندک پولی برای معاش گروه و این نوع تفکر منجر به شکل‌گیری نوعی از نمایشنامه‌نویسی شده بود که می‌شد آن را بیشتر متون مناسباتی و پیرو آن در اجراهای اولویت‌دار دید. نمونه اخیرش را در نمایش «عوت‌نامه» به کارگردانی علی‌باقری می‌توان تماشا کرد.

نمایش داستان شمعون پهودی و شهرزاد گبرزاده است که در مقام بازپس‌آزان وقایع کربلار ابا زرفینی می‌کنند. آنها، درمانی از سال‌های ابتدایی اسلامند که امر در امتیک ابرای یک ترازی دینی بنا می‌کنند. بی‌شک با یک داستان خیالی روبرو می‌شویم؛ ولی این مهم‌ترین وجه متنی است که فرهاد ارشاد نگاشته است. او چیزی فراهم کرده است که گروه را به در دسر چندان در تولید یابندازد. اگر چه در نمایش گروهی از همسر ایان بی‌صدا، هر از گاهی می‌آیند و می‌روند؛ اما اساس نمایش بر پایه دو بازیگر است که مدام رنگ و نقش عوض می‌کنند و در این تغییر و تبدیل مصائب خیری از زیبایی‌شناسی نیست؛ اما با نوعی زیبایی‌شناسی اتفاقی روبرو می‌شویم، نه در آثار اولویت‌دار که در آثار دانشجویی، آثاری که بدون نگرش

موضوعی که بر مبنای حساسیت هنری آفریده می‌شود. در گوشه دیگر تالار مولوی نمایش دیگری روی صحنه می‌رود با عنوان «هیوشیما»، به قلم و کارگردانی مصطفی فرحانی. شب‌چله است و چند شخصیت نامتجانس در اتاقکی درون قبرستان شهر گرد هم آمده‌اند. برف شدید در حال بارش است و افراد به نوعی در این اتاقک اسیر شده‌اند و بیشتر از آن، اسیر گناهان و امیال خویش شده‌اند تا جایی که نه تنها طبیعت، که قبرستان علیه آن می‌شورد. آنان مقتول مردگانی می‌شوند که در عجیب‌ترین شکل به آنان هجوم می‌آورند و روی صحنه وضعیت سوررئالی بی‌منطق شکل می‌گیرد. این بی‌منطقی با نوعی ارزان‌سازی همراه می‌شود و از همین رو گران نبودن اثر واجد زیبایی‌شناسی فکر شده می‌شود.

دکور نمایش یک اتاقک کامل است که سسقفش را با پرانیت و پلاستیک پوشانده‌اند، با ارزان‌ترین مصالح ممکن و البته نزدیک به واقعیت چنین فضاها، این درون صحنه مقداری وسیله زندگی واقعی رنگ‌ور و رفته است که گویی از خنایر و پاسگاه نعمت‌آباد تهیه شده است. همه چیز قرار است با نوعی رئالیسم خشن گره بخورد. دو نفر در خوابند که یکی احساس می‌کند صدایی می‌شنود و وحشت می‌کند، وحشت او زمانی واقعی تر می‌شود که در می‌بایم آنان در میانه قبرستان زندگی می‌کنند. همه چیز از جمله بازی با نوعی بدویت پیش می‌رود. انگار قرار است زیست‌شناسی‌ها در فضایی نامتعارف اما واقعی، به بازی نامتعارف اما واقعی هم دچار شوند. اگر چه بازی‌ها آغشته با آمانور بودن است. این وضعیت با نوع روایت داستان که اساساً داستانی ندارد جز گره خوردن روابط چهار شخصیت، با بلنشیویسم بصری یکی می‌شود. ارزان بودن اما به اثر هم آسیب می‌زند و هم آن را تقویت می‌کند. برای مثال شاید در یک دکور گران قیمت ابعاد وحشت‌آفرین نمایش بیشتر می‌شد. کارگردان و بازیگران تلاش می‌کنند هر اس حاضر

بگیرد. نکته دیگر که از نظر من رسیدگی به آن ضرورت دارد تغییر شکل هیأت‌دوری و هیأت‌حل اختلاف است. متأسفانه به دلیل بالاتر حجم پرونده‌ها و اختلافات شکل فعلی هیأت‌دوری و هیأت‌حل اختلاف نمی‌تواند پاسخگو باشد. کارگردان «در وجه حامل» در پایان خاطر نشان کرد: مدیر عامل مجری مصوبات هیأت‌مدیره است، یک مدیر عامل قوی و موثر از یک هیأت‌مدیره قوی و موثر بیرون می‌آید چرا که مدیر عامل نمی‌تواند به خودی خود تصمیم بگیرد. اگر در بین اعضا اختلاف وجود داشته باشد بالطبع مدیر عامل را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

**رسیدگی به مشکلات معیشتی سینماگران باید در اولویت باشد**  
همچنین شهرام خلج، طراح چهره پرداز و نایب رئیس انجمن چهره پردازان، درباره اولویتهای موجود در سینما که لازم است هیأت‌مدیره جدید خانه سینما به آن رسیدگی کند، گفت:

بدون شک از یک نهاد صنفی انتظار می‌رود که مشکلات اعضای خود را پیگیری کند و لازم است هیأت مدیره جدید هم رسیدگی به مشکلات معیشتی و تأمین امنیت شغلی سینماگران را در اولویت امور قرار دهد. به شخصه سینماگرایانی را می‌شناسم که در شرایط اقتصادی واقعاً سختی زندگی می‌کنند. علاوه بر این خانه سینما در ساماندهی دستمزد ها و رودافراد جدید به این حرفه نیز برنامه ریزی دقیق داشته باشد. وی تصریح کرد: متأسفانه تا امروز به شخصه اقدام چندان سازنده‌ای از سوی خانه سینما برای رفع مشکلات اهالی سینما شاهد نبودم. این نهاد صنفی تنها در فراهم کردن بلیت فیلم‌های جشنواره هر سال اقداماتی دارد و تا الان بیشتر وجودی نمادین داشته که اهالی سینما در آن یکدیگر را ملاقات می‌کنند. من مدت کوتاهی است که وارد هیأت مدیره خانه سینما شده‌ام و امیدوارم که بتوانم در بحث معیشت و امنیت شغلی اعضای صنف اقدامات سازنده‌ای داشته باشم و البته برای محقق شدن این مسئله جلساتی داشتیم و بر نامه‌ری‌هایی کردیم که فکر می‌کنم اتفاقات خوبی رخ دهد.



پذیرش قرار گرفتن صنف زیر نظر وزارت کار و... را با شرایط حاضر موردسنجش قرار می‌دهم و انتظار اتم را مطرح می‌کنم. قرار گرفتن صنف زیر نظر وزارت کار که ساختاری متفاوت از ساختار کاری سینما داردهم نمی‌تواند آنطور که انتظار می‌رود نتیجه‌بخش باشد، به همین دلیل شرایط کاملاً ناامید کننده است و مانعی دانیم برای حل مشکل فیلمبرداری با ۷۰ سال که بیشتر عمرش را در این حرفه گذرانده و امروز نمی‌تواند هزینه داروهایش را تأمین کند چه کاری می‌توانیم انجام دهیم.

**اختلافات موجود در خانه سینما، اثر گذاری آن را کاهش داد**

بهمن کامیار، تهیه‌کننده و کارگردان سینما و عضو هیأت مدیره کانون کارگردانان، نیز گفت: از نظر من مهم‌ترین نقطه ضعف خانه سینما در دور اخیر تر کبیبت هیأت‌مدیره بود چرا که به نظر می‌آمد در هیأت مدیره انسجام لازم برای پیش بردن و پیگیری تصمیمات و مصوبات وجود نداشت و اختلافات درونی کاملاً آشکار بود و بالطبع این شرایط باعث شده بود که خانه سینما با کاهش اثر گذاری برای حمایت از صنف مواجه شود. کامیار درباره مسئله‌ای که باید امروز در اولویت امور خانه سینما قرار بگیرد، گفت: به نظر من آنچه که امروز باید در اولویت باشد، تغییر اساسنامه است. در اساسنامه خانه سینما اشکالات متعددی وجود دارد که متأسفانه قدرت اجرایی خانه سینما را محدودی کاهش داده و تغییر اساسنامه بر اساس آن پیش‌نویس‌هایی که آماده شده‌من حداقل می‌دانم یکی از آن پیش‌نویس‌ها که در جریانش هستم، بسیار مترقی و کارساز است اولین اقدام عاجل و ضروری است و باید در دستور کار قرار

**برده نقره‌ای**  
از عدم استقلال لازم تا اختلافات درونی  
چرا خانه سینما یک نهاد صنفی نا کارآمد است؟

بودن خانه سینما در رسیدگی به مطالبات سینماگران ناامید کرده است. با این حال لازم است پیش از اینکه هیأت مدیره جدید انتخاب شود و فعالیت خود را آغاز کند، نگاهی به عملکرد ریاست دوره قبل خانه سینما و انتظارات موجود در بین سینماگران داشته باشیم. به همین بهانه با چند تن از اعضای هیأت مدیره و صنوف مختلف گفتگو‌هایی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

**ناکار آمدی در پی تضاد منافع صنف و دخالت‌های دولت**

سعاد نیک‌ذات، فیلمبردار و دبیر هیأت مدیره انجمن فیلمبرداران، اظهار داشت: در حوزه مدیریت خانه سینما مشکل ما مربوط به خانه سینما نمی‌شود؛ مشکل اصلی ساز و کار قانونی کشورمان است که دولت در همه بخش‌ها مدیریت دارد و این نوع مدیریت در عرصه هنر در هر بخشی آسیب‌زننده و مشکل‌زا است. بی‌انصافی است اگر اینگونه به خانه سینما انتقاد کنیم و بگوئیم همه چیز سر جای خودش بود و شما به عنوان هیأت مدیره عملکرد درستی نداشتید. نیک‌ذات تصریح کرد: مدیریت فرهنگ و هنر کشورمان به دست دولت است و وزارت ارشاد که خود متولی هنر این کشور است خودضد فرهنگ و هنر عمل می‌کند. وزارت ارشاد به جای اینکه از فرهنگ و هنر دفاع کند بیشتر تابع دیگر نهادهای کشور است؛ در این شرایط خانه سینما زمانی می‌تواند قدرتمند باشد که بتواند سندیکا باشد و ما در ایران سندیکا نداریم و انجمن نمی‌تواند چنین نقشی ایفا کند. به همین دلیل به شخصه از خانه سینما انتظار چندان ندارم و اگر بخواهم تلاش مدیران خانه سینما را مورد تحلیل قرار دهم بر مبنای شرایطی که وجود دارد این کار را انجام می‌دهم. وی افزود: مسائلی چون طرح امنیت شغلی اختلافاتی مثل

اعضای هیأت مدیره و صنوف مختلف خانه سینما بر این عقیده‌اند که این نهاد صنفی تا امروز اقدام سازنده‌ای در جهت حل معضلات سینماگران نداشته است و عدم استقلال، اختلافات درونی هیأت مدیره خانه سینما و تضاد منافع اعضا از اصلی‌ترین عوامل این نا کار آمدی بوده است. به گزارش ایلنا، دوم مرداد ماه سال جاری زمان مقرر برای برگزاری مجمع و انتخابات هیأت مدیره خانه سینما بود که چند ساعت پیش از برگزاری، وزارت ارشاد با ارسال نامه‌ای به خانه سینما انتخابات را برای تأیید صلاحیت کاندیداهای مطرح شده متوقف کرد و پس از گذشت نزدیک به یک ماه هنوز این انتخابات انجام نشده است. خانه سینما به عنوان یک نهاد صنفی که امروز بیش از پنج‌هزار عضو دار سال ۱۳۶۸ بنیانگذاری شد و از سال ۱۳۷۲ اولین هیأت مدیره آن کار خود را آغاز کرد و با وجود اینکه بیش از ۳۰ سال از زمان تأسیس این نهاد صنفی می‌گذرد هنوز به ساز و کاری مشخص برای رسیدگی به مطالبات صنفی سینماگران دست پیدا نکرده و مناقشات بسیاری درباره مسائل قانونی آن وجود دارد که در کنار آن اختلافات موجود در بین اهالی سینما، انتقادات و حواشی زیادی را متوجه عملکرد مدیریت خانه سینما می‌کند. خانه سینما در حالی در آستانه برگزاری شانزدهمین دوره انتخابات خود قرار دارد که بسیاری از سینماگران معتقدند این نهاد ابزارها و اختیارات لازم برای فعالیت صنفی را ندارد و باید در اساسنامه آن اصلاحاتی جدی صورت بگیرد. به هر شکل دوره جدید انتخابات خانه سینما نزدیک است و همچنان مسائل بسیاری از سوی سینماگران عنوان می‌شود که ضرورت رسیدگی به آن‌ها را تأکید می‌کنند و قطعاً هیأت مدیره جدید در دوره پیش‌رو با انتظارات بسیاری از سوی سینماگران مواجه است و البته این در شرایطی است که اختلافات موجود بین سینماگران بسیاری از اعضای صنف را نسبت به کارآمد



جمعه بیدار شدیم و نان و پنیر و انگور خوردیم و از اقامتگاه خارج شدیم و به سمت روستای پنو حرکت کردیم. آنقدر همیشه با دوست‌های سفر فراموش شده قاعده سفر خانوادگی فراموش شده است، گاهی چیزی می‌گوئیم که به برادر م بر می‌خورداما دوستانه نه، زمین که می‌خورم با بچه‌های خندیم اما برادر م هر اسان می‌دود؛ چقدر همه چیز این سفر برایم فراق می‌کند: شوخی‌هایش، خنده‌هایش، حتی گپ‌زدن‌های توی راه. در مسیر پشت این تیم قزوینی معطل شدیم. هر چه می‌نشستیم و استراحت می‌کردیم باز هم آرام می‌فتند اما ما صبور بودیم. این صبر مضاعف باعث شد دقیق تر پنورا ببینیم و بیشتر لذت ببریم. اینجا واقعا زیباست: دره‌ای در دل جنگل‌های گیلان با درختان سرسبز بلند و آبی‌خنک و حوضچه‌هایی متعدد که در این گرمای تابستان شیرچه در این آب پاک خنک، دل‌وروح‌مان را جلا می‌داد و من به کودکی چهل ساله تبدیل شده بودم در دل جنگل‌های گیلان و به قدر ده سالگی از تن دل‌لیبریز شادی بودم. بالاخره به آبشار آخر رسیدیم. این همان آبشار ماهی‌مشو است که بارها تا کنناش آمده بودیم و بر گشته بودیم، اما این بار همه چیز خیلی زیباتر و بکر تر بود، این بار گیلان جان زیباتر از همیشه بود. پرش آخر راهم بریدم اما دلم لایه‌لای درخت‌های سر به فلک کشیده، در حوضچه‌های زلال و آب سرد دوران پنو جاماند.